

انسجام واژگانی در مفاهیم مقاومت برپایه نظریه هلیدی و حسن؛

مورد پژوهانه: اشعار محمد العید و قیصر امین‌پور

رسول دهقان‌ضادشهرضا^{۱*}، مرضیه ولی‌زاده^۲، سلمان نیکبخت^۳

۱- نویسنده مسئول*، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: r.dehghanzad@qom.ac.ir

۲- دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: m.valizade@alum.semnan.ac.ir

۳- دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: salmannikbakht67@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	انسجام واژگانی از طریق برقراری پیوندهای معنایی میان واژگان، جملات و اجزای مختلف آن شکل می‌گیرد و نقش مؤثری در درک بهتر محتوا از سوی خواننده ایفا می‌کند. شاعران فارسی و عربی نیز برای انتقال هرچه دقیق‌تر مفاهیم مقاومت، از عناصر انسجام بهره برده‌اند. ازجمله محمد العید آل خلیفه؛ شاعر الجزایری (۱۹۰۴-۱۹۷۹) و قیصر امین‌پور؛ شاعر ایرانی (۱۳۳۸-۱۳۸۶) دو شاعر برجسته در حوزه ادبیات پایداری هستند و با استفاده از ابزارهای انسجام‌بخشی در آثار خود، توانسته‌اند ارتباطی هدفمند میان اجزای متن برقرار سازند؛ ارتباطی که منجر به تسهیل انتقال مفاهیم و شکل‌گیری متنی منسجم شده است. مقاله حاضر، با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر نظریه هلیدی و حسن، انسجام واژگانی در قصاید این دو شاعر را بررسی می‌کند و به تطبیق شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان آن‌ها در سطح انسجام و درون‌مایه‌های مرتبط با مقاومت، می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هدف هر دو شاعر، القای پیام مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و تجاوز است و در این راه، از انسجام واژگانی برای القای پیام خود استفاده کرده‌اند. و ازاین طریق، پیام‌هایی مانند پایداری در برابر دشمن، بزرگداشت مقام شهید، ارزشمندی خاک وطن، جاودانگی شهیدان و دعوت به مبارزه با ظلم را بیان کرده‌اند. از میان عناصر واژگانی، تضاد معنایی بیشترین بسامد را دارد و قیصر امین‌پور در بیان مفاهیم متضاد، بیشتر از نماد و بیانی غیرصریح استفاده می‌کند، در حالی که محمد العید آل خلیفه، به‌صورت مستقیم و با زبانی ساده و بی‌پیرایه سخن می‌گوید.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰	
کلیدواژه‌ها: انسجام متن، انسجام واژگانی، نظریه هلیدی و حسن، مقاومت، محمد العید آل خلیفه، قیصر امین‌پور.	
استناد: دهقان‌ضادشهرضا، رسول؛ ولی‌زاده، مرضیه؛ نیکبخت، سلمان (۱۴۰۴). انسجام واژگانی در مفاهیم مقاومت برپایه نظریه هلیدی و حسن؛ مورد پژوهانه: اشعار محمد العید و قیصر امین‌پور. <i>مطالعات نقدی تطبیقی در ادب عربی</i> ، ۱ (۲)، ۱۶۴-۱۵۰.	

۱. مقدمه

نظریه انسجام هالیدی و حسن با تمرکز بر پیوندهای معنایی میان اجزای متن، نقش مهمی در تحلیل ساختار معنایی آن ایفا می‌کند. این نظریه، انسجام را در دو سطح بررسی می‌کند: انسجام دستوری، که از طریق عناصری مانند ارجاع، حذف، جانشینی و ادات ربط ایجاد می‌شود؛ و انسجام واژگانی، که بر روابط معنایی میان جملات استوار است و به وسیله عناصری چون تکرار، باهم‌آیی، تضاد معنایی و شمول معنایی شکل می‌گیرد. این چارچوب تحلیلی با مشخص کردن ارتباطات میان اجزای متن، به کشف لایه‌های پنهان و معنای نهفته آن یاری می‌رساند. متونی که با محوریت مقاومت شکل گرفته‌اند، تلاشی در جهت مقابله با ظلم و ستم طاغوتیان به شمار می‌روند و از برجسته‌ترین اشعار شاعران در ادبیات عربی و فارسی محسوب می‌شوند. محمد العید آل خلیفه و قیصر امین‌پور، دو شاعر شاخص ادبیات مقاومت، با توجه به شرایط تاریخی و سیاسی زیسته خود، به این مضمون پرداخته‌اند؛ آل خلیفه در دوره استعمار و اشغال الجزایر، و امین‌پور در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ایران. هر دو شاعر با بهره‌گیری از عناصر انسجام‌بخشی، به‌ویژه انسجام واژگانی، توانسته‌اند پیوندی هدفمند میان اجزای متن ایجاد کرده و مفاهیم مقاومت را به‌شکلی مؤثر به مخاطب منتقل کنند.

۱-۱. ضرورت و هدف پژوهش

تمامی ملت‌ها از جمله سرزمین‌های عربی پیوسته در معرض تاخت و تاز متجاوزان بوده‌اند ادبیات عربی و فارسی نیز در جهت مقابله با دشمنان، متون نظم و نثرش را در خدمت آن قرار می‌دهد تا از طریق پرداختن به مفاهیمی همچون تشویق مردم جهت ایستادگی در برابر دشمنان، دفاع از میهن سپس پایداری و در پایان شهادت بپردازند و حق شهیدان به جا آورد. از جمله این شاعران محمد العید آل خلیفه و قیصر امین‌پور هستند که شرایط تاریخی و اجتماعی زیسته‌ی آنان، بستری مناسب برای بازتاب مفاهیم پایداری فراهم کرده است. از این رو با تکیه بر نظریه انسجام هالیدی و حسن، به بررسی مضامین مشترک در اشعار این دو شاعر و تحلیل میزان انسجام واژگانی آن‌ها می‌پردازیم. هدف آن است که خواننده با میزان انسجام متون شعری و نیز شباهت‌ها و تفاوت‌های سبک این دو شاعر آشنا شود.

۱-۲. سوالات پژوهش

چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی از نظر ساختار انسجام و معنایی در اشعار قیصر امین‌پور و محمد العید آل خلیفه مشاهده می‌شود؟ چگونه انسجام واژگانی در اشعار هر دو شاعر به انتقال مفهوم مقاومت و پایداری کمک می‌کند؟

۱-۳. روش پژوهش و چارچوب نظری

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها استفاده شده است. ابتدا به معرفی گذرا دو شاعر پرداخته می‌شود سپس نمونه‌هایی از مضامین مشترک در قصاید محمد العید آل خلیفه و قیصر امین‌پور بررسی و تطبیق داده می‌شوند و در انتها انسجام واژگانی شاهد مثال‌های ذکر شده، مورد تحلیل قرار می‌گیرد و به نقاط اشتراک و تفاوت آن دو اشاره می‌شود.

۲- پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های مختلف در مراکز علمی و پژوهشی تا کنون مقایسه و تطبیق اشعار محمد العید آل خلیفه و قیصر امین‌پور انجام نشده است اما هر یک به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین اشعار امین‌پور با شاعران دیگر تطبیق

داده شده است. پژوهش‌های زیر به گونه‌ای به موضوع و شیوه کار ما نزدیک هستند لذا به عنوان نمونه چند مورد از آن‌ها ذکر می‌شود:

مقاله: «بررسی شگردهای ایجاد انسجام در اشعار قیصر امین‌پور با تکیه بر نظریه زبان‌شناسی هالیدی»، رضا ستاری، مرضیه حقیقی، نشریه فنون ادبی، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۰۳-۱۲۰. در این پژوهش، با رویکردی توصیفی-تحلیلی انسجام در اشعار قیصر امین‌پور بر پایه نظریه انسجامی هالیدی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که انسجام دستوری در شعر او با شگردهایی نظیر ارجاع، حذف و ربط انجام گرفته است و از شگردهای انسجام واژگانی در شعر او می‌توان به واج آرایی، تکرار واژه، جناس، تکرار جمله، موازنه، قلب مطلب، تناسب، تضاد، ترادف و... اشاره کرد. قابل ذکر است که نمونه‌های کارشده در این مقاله با نمونه‌های مورد بررسی در مقاله حاضر متفاوت است.

مقاله: «شهید و شهادت در شعر محمد العید آل خلیفه»، ابوالفضل رضایی، زهرا تیموری شاد، نشریه پژوهش نامه نقد ادب عربی، شماره ۱۰، ۱۳۹۴، صص ۱۰۹-۱۳۱. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای ضمن معرفی این شخصیت و نگاهی اجمالی به موضوع شهید و شهادت به تحلیل اشعار محمد العید بر اساس دیوان شعری وی می‌پردازد. از نتایج آن می‌توان گفت: دو پدیده اجتماعی «انقلاب» و «جنگ» از مهم‌ترین تحولات تأثیرگذار بر جریان‌ات ادبی با موضوع شهید و شهادت به شمار می‌روند و کوشش‌های وی در اعتلای ادبیات انقلاب، جنگ و دفاع در خور ستایش است.

مقاله: «بررسی تحلیلی بازتاب خیزش‌های انقلابی الجزایر و عراق در اشعار محمد العید آل خلیفه و معروف الرصافی»، عبدالعلی آل بویه لنگرودی، ابراهیم ناطق، علی خالقی، نشریه پژوهش نامه نقد ادب عربی، شماره ۱۰، ۱۳۹۴، صص ۹-۳۴. این پژوهش به بررسی اشعار سیاسی دو شاعر می‌پردازد. و به این نتایج می‌رسد که: دو شاعر با سبکی کلاسیک در اشعار خود از دایره فردیت خارج و به زبان گویای مردم خود مبدل می‌گردند. هر دو شاعر از سنت‌های عربی و دینی بهره می‌برند. گرچه اشعار رصافی بیشتر جنبه مذهبی و شعر محمد العید بیشتر بر مدار ملی‌گرایی می‌چرخد، هر دو دارای زبان شعری ساده و به دور از تکلف و تصنع هستند و العید از تشبیهات بیشتری نسبت به رصافی استفاده می‌کند و زبانش تندتر و گزنده‌تر از اوست.

مقاله: «تطبیق اشعارحماسی قیصر امین‌پور و سلمان هراتی در ادبیات دفاع مقدس»، محدثه حسن زاده، نشریه مطالعات ادبیات، شماره ۲، ۱۴۰۱، صص ۱۱-۱۷. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی می‌کوشد محورهای مشترک حماسی در ادبیات و اشعار دفاع مقدس شاعران و سرایندگان دفاع مقدس را با هم تطبیق دهد. در این راستا ابتدا در بخش مباحث نظری به معرفی قیصر امین‌پور و سلمان هراتی، سپس به بررسی آثار آنان می‌پردازد.

در این پژوهش بنا بر ضرورت و بیان مسئله‌ای که در مقدمه مطرح شد ضمن مرورگذرا بر زندگی محمد العید آل خلیفه و قیصر امین‌پور، به بررسی مضامین مشترک اشعار این دو سراینده، سپس به تحلیل، بیان اشتراکات و تفاوت‌های آن دو پرداخته می‌شود.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. انسجام^۱

انسجام، مفهومی است که به روابط معنایی میان اجزای یک متن اشاره دارد (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴). به عبارتی دیگر مجموعه‌ای از ابزارهای زبان‌شناختی (دستوری، واژگانی و معنایی) است که از طریق پیوند جملات به یکدیگر، واحدهای بزرگ‌تری

^۱ Cohesion

مانند بندها را شکل می دهد. (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۹). کارکرد اصلی انسجام، ایجاد متن وارگی، تداوم و استمرار در متن، تسهیل درک ساختارهای زبانی و کمک به خواننده برای دنبال کردن پیوندهای معنایی متن است (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۳۳۲). درواقع انسجام با ایجاد پیوندهای معنایی میان اجزای متن، نقش مهمی در شکل گیری متنی منسجم و قابل فهم دارد. این ویژگی به خواننده کمک می کند تا جریان معنایی متن را به صورت پیوسته دنبال کرده و با آن ارتباط برقرار کند.

هالیدی و حسن انسجام را به دو بخش اصلی تقسیم می کنند:

۳-۱-۱. انسجام دستوری^۱

در انسجام دستوری، ابزارهایی مانند ارجاع^۲، حذف^۳، جانشینی^۴ و ادات ربط^۵ باعث منسجم شدن متن می شوند؛ ارجاع: با استفاده از ضمائر و اشاره گرها، به ایجاد پیوند میان بخش های مختلف متن کمک می کند و ازین طریق باعث انسجام متن می شود. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۷) جایگزینی: از دیدگاه هلیدی، قرار گرفتن یک عنصر به جای عنصری دیگر جایگزینی است. این عنصر بر رابطه نحوی استوار است و به دو نوع جایگزین اسمی و فعلی تقسیم می شود. (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۸۸) حذف: زمانی که جملات بواسطه ساختارشان، عبارت یا عنصری قبل از خود را به عنوان پیش فرض تداومی می کنند. (همان: ۱۴۲) ادات ربط: همانند پل هایی عمل می کنند که متن های گذشته را به متن های کنونی متصل می کند. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۷)

۳-۱-۲. انسجام واژگانی^۶

انسجام واژگانی بر روابط معنایی بین واژگان تکیه دارد و متن از طریق ابزارهای آن منسجم می شود. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۸) و عناصر آن عبارتند از:

تکرار^۷: واژگان کلیدی جمله های قبلی در جمله های بعدی تکرار می شوند که علاوه بر تأکید، موجب ارتباط معنایی میان بخش های مختلف متن می گردد (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

باهم آیی^۸: واژگانی که در یک حوزه معنایی مشترک قرار دارند، در کنار هم به کار می روند و تصویری یکپارچه و منسجم از موضوع مورد بحث ارائه می دهند. منظور از باهم آیی، به هم مرتبط بودن عناصر واژگانی در چارچوب یک موضوع مشخص است که به انسجام جمله ها در متن می انجامد (همان).

تضاد معنایی^۹: طباق عبارت است از اینکه گوینده دو یا چند واژه را که در معنا، در مقابل یکدیگر قرار دارند در کلام ذکر نماید. (خطیب قزوینی، بی تا: ۲۵۷). زیبایی نهفته در طباق، آن است که معانی گوناگونی را در ذهن شنونده تداومی و ترسیم می نماید، چراکه با شنیدن واژه های متضاد، معانی مقابل آن ها نیز به ذهن متبادر می شود، به طور مثال سفیدی، سیاهی را و هستی، نیستی و را زمین، آسمان را در مقابل دیدگان ترسیم می نماید. (قلقیله، ۱۹۹۲: ۲۹۹) در واقع، تقابل واژه ها در کلام، سبب تأکید و برجسته تر شدن آنها می گردد.

¹ Grammatical Cohesion

² Reference

³ Ellipsis

⁴ Substitution

⁵ Conjunction

⁶ Lexical Cohesion

⁷ Repetition

⁸ Collocation

⁹ Antonymy

شمول معنایی^۱: زمانی که مفهومی بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را نیز شامل شود رابطه شمول معنایی نامیده می‌شود که رابطه یک مفهوم و مفهوم‌های تحت شمول آن است. (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۰۰) این نوع رابطه با ایجاد رابطه میان واژگان عام و خاص، به سازماندهی و انسجام متن کمک می‌کند.

بنابراین انسجام یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری متنی منسجم و قابل فهم است که با کاربری ابزارهای دستوری و واژگانی، پیوستگی معنایی میان اجزای متن را تضمین می‌کند. انسجام دستوری با عناصری مانند ارجاع، حذف، جایگزینی و ادات ربط، ساختار نحوی و منطقی متن را حفظ می‌کند. در کنار آن، انسجام واژگانی با تکرار، باهم‌آیی، تضاد و شمول معنایی، ارتباط معنایی واژگان را تقویت می‌سازد.

۲-۳. نگاهی به زندگی محمد العید و قیصر امین‌پور

محمد العید آل خلیفه مبارزی الجزایری و صوفی مسلک بود که در ۲۸ اوت ۱۹۰۴ در شهر عین البیضاء متولد شد. در ادبیات معاصر الجزایر «امیر الشعراء» و شاعر نهضت و پیشوای شعر الجزایر معروف و مشهور است. محمد البشیر الابرهمی به او لقب شاعر الشّباب و شاعر الجزایر الفتاة و شاعر الشّمال الافریقی داده است. در پایتخت، «جمعیت علمای مسلمان الجزایر» را تأسیس کرد و اشعار خود را در روزنامه‌های این جمعیت «شهاب، سنت، شریعت، البصائر» که خود تأسیس کرده بود و دو روزنامه دیگر «مرصاد، ثبات» به چاپ رساند (الزاهری، ۱۹۲۶: ۱۱؛ ابن قینه، ۱۹۹۹: ۵۱؛ سعدالله، ۱۹۶۸: ۸۸). دولت فرانسه مزدورانه با طرح اختلاف‌های خود با دولت الجزایر در ۵ ژوئیه ۱۸۳۰ وارد خاک الجزایر شد و این کشور را به اشغال نظامی خود درآورد. حکمران عثمانی الجزایر در مقابل لشکر مجهز و عظیم فرانسه تاب مقاومت نیاورد و سرانجام تسلیم شد (الصباح، ۱۳۶۱: ۱۵). از همان روز اول سلطه استعمار فرانسه مردم الجزایر علیه تجاوزگران خارجی به قیام برخاستند و تا کسب استقلال در سال ۱۹۶۲ به ندرت اسلحه خود را بر زمین گذاشتند. از سال ۱۸۳۰ قیام‌ها و جنبش‌های متعدد و خودجوشی در مناطق عربی و بربرنشین الجزایر به وقوع پیوست که به تدریج به مبارزه‌های طولانی و سخت و همه گیر تبدیل شد (ازغندی، ۱۳۶۵: ۲۶).

قیصر امین‌پور متولد ۱۳۳۸، متوفی تهران (۸ آبان ۱۳۸۶)، دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، شاعر، پژوهشگر کوشنده‌ی ادبیات کودک و نوجوان و عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود. امین‌پور از نخستین شاعران انقلاب اسلامی است که پس از شروع جنگ تحمیلی، عاشقانه پا به عرصه دفاع مقدس می‌گذارد و با حضور در جبهه‌های جنگ به خواندن اشعار خود برای روحیه دادن به رزمندگان می‌پردازد؛ اشعاری که به گفته دوستانش، تأثیرات فراوانی بر رزمندگان گذاشته و باعث تشویق شدن دیگر شاعران برای ورود به این عرصه نیز شده است. (صرفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). قیصر امین‌پور از شاعران مطرح پس از انقلاب است. او در ابتدای انقلاب نخستین قابلیت‌هایی را از خود بروز داد که نوید ظهور شعری با مشخصه‌های جدید در زبان فارسی بود. قیصر با آثار نخست خود توانست در ابتدای مسیری رو به کمال گام نهد و به تدریج به ذهنیت و زبان شاعرانه‌ای خاص دست یابد تا جایی که وی را یکی از شاعران سکاندار شعر انقلاب و از سرآمدان اقران خویش لقب دهند. (امیری، ۱۳۸۱: ۳۲؛ شکارسری، ۱۳۸۱: ۵۱).

۳-۳. تحلیل تطبیقی انسجام واژگانی

^۱ Hyponymy

با توجه به موارد ذکر شده در مورد زندگی شاعران، اشعار آنان، انقلابشان در ادامه به بررسی انسجام واژگانی در انتقال مفاهیم مقاومت در اشعار این دو شاعر می پردازیم. در این تحلیل، ابیات را در دو محور تضاد معنایی و شمول معنایی، باهم آیی و تکرار مورد بررسی قرار می گیرند:

۳-۱. تضاد معنایی و شمول معنایی

تضاد معنایی، با کنار هم آوردن واژه های متضاد، موجب برجسته سازی معنا و ایجاد تصویرهای ذهنی گسترده تر می شود. شمول معنایی نیز رابطه ای است که در آن یک مفهوم عام، مفاهیم خاص تری را دربرمی گیرد و بدین ترتیب موجب انسجام می شود. در زمینه انسجام واژگانی، شمول معنایی مفهومی عام تر است که هرآنچه که جزو یک مجموعه قرار گیرند را دربرمی گیرد. در این راستا، تضاد معنایی را می توان به عنوان یکی از مصادیق شمول معنایی دانست که با ایجاد تقابل مفهومی میان یک یا چند واژه متضاد که زیرمجموعه ای از یک مجموعه بزرگتر هستند، انسجام معنایی متن را شکل می دهد. این دو ابزار انسجام بخشی در مفاهیم مقاومت دو شاعر الجزایری و ایرانی در نمونه های زیر تحلیل می شود؛ نمونه اول:

لا تَحُلْ مَعْشَرًا قُضُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ه موتی، بل هم من الأحياء

(آل خلیفه، ۲۰۱۰، ص ۳۹۸)

شاعر می گوید: «هرگز گروهی را که در راه خدا جان باخته اند، مرده مپندار؛ بلکه آنان از زنده ها هستند.» قیصر امین پور نیز به همین مضمون اشاره می کند که مرگ شهیدان پایان آن ها نیست بلکه جوانه ای جدید از خون سرخ آن ها، از خاک سر در می آورد و شکوفا می شود:

هر چند سرخ بر خاک افتاد اما این ابتدای سبز او بود

(امین پور، ۱۳۸۷: ۳۸۱)

آل خلیفه و امین پور هر دو معنای «زنده» را به کار می برند در بیت آل خلیفه واژه «الاحیاء» به آن دلالت دارد و در سروده امین پور واژه «سبز» نماد زنده بودن شهید است. همچنین می توان بیان کرد هر دو بیت اشاره به آیه ۱۶۹ سوره آل عمران و آیه ۱۵۴ بقره (وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ/ ترجمه: و به آن ها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگوئید! بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید!)، از قرآن دارند و با تلمیح به قرآن، سعی در اقناع مخاطب نسبت به زنده بودن شهیدان دارند. در این ابیات مشخص شد که هر دو شاعر اقتباس از آیه قرآن داشته اند با این تفاوت که عبارت های شعری آل خلیفه بسیار نزدیک به آیات قرآن و به صورت صریح است اما امین پور از روش غیر صریح برای به اقناع رساندن مخاطب خود استفاده می کند. در هر دو نمونه، تضاد معنایی میان مرگ و زندگی به وضوح مشخص است. در متن عربی، واژگان «موتی» و «أحياء» در تضاد قرار گرفته اند. در شعر فارسی نیز کلمات «سرخ» و «سبز» با رجوع به فرهنگ، این تقابل را نشان می دهند؛ به این صورت که «سرخ» نشانه ی خون و مرگ و «سبز» نشانه ی حیات، رستاخیز و رشد است. علاوه بر تضاد معنایی، در هر دو بیت شاهد شمول معنایی هستیم. واژه هایی مانند «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و «موتی» در شعر عربی، هر دو در حوزه ی معنایی شهادت قرار می گیرند. به همین ترتیب، در شعر فارسی، افتادن سرخ بر خاک و سبز شدن، در نظام معنایی شهادت و معنویات آن جای می گیرند. این روابط شمولی باعث می شود انسجام مفهومی متن تقویت شود و خواننده مفاهیم واژگان را در نسبت با یکدیگر درک کند. همچنین اگرچه واژگان مستقلاً مترادف نیستند، اما مفاهیم نهفته در آن ها (مرگ مقدس و زندگی جاودانه) نوعی مترادف مفهومی را به وجود می آورند.

نمونه دوم:

رحم الله معشر الشهداء
هذه في الثري قبور حوتهم
وجزاهم عنا كرم الجزاء
أم قصور تسمو على الجوزاء؟

(آل خلیفه، ۲۰۱۰: ۳۹۵)

آل خلیفه در مورد عظمت شهدا و جایگاه شهیدان می‌گوید:

«خداوند بر گروه شهیدان رحمت آورد و در برابر ما، بهترین پاداش‌ها را به آنان عطا کند.

آیا این‌ها در زیر خاک، قبرهایی است که آنان را در خود جای داده؟ یا کاخ‌هایی است که بر فراز ستارگان جوزا (دوپیکر) سر برآورده است؟»

آل خلیفه صنعت تشبیه را دو بار برای بیان عظمت قبر شهیدان و تاکید بر آن به کار می‌برد و می‌گوید قبر آنان مانند قصری است که منزلت پیدا کرده است و از ستاره جوزا که درخشان‌ترین ستاره است بالا رفته است.

خورشید خم شد تا نگاهت را ببوسد
گل غنچه شد تا قرص ماهت را ببوسد

(امین‌پور، ۱۳۸۷: ۱۹۵)

قیصر امین‌پور نیز با استفاده از لغات "خورشید" که نماد عظمت همچنین روشنائی است و "گل" که نماد پاکی است، به توصیف جایگاه شهیدان می‌پردازد و آن‌ها را به مانند خورشید نورانی می‌داند به گونه‌ای که در این مضمون اغراق می‌کند و می‌گوید به حدی نورانی است که به نظر می‌رسد خورشید او را بوسیده است. در مصراع بعد او را زیبا، مانند گل و ماه می‌داند تا حدی که گل نیز برای او تعظیم می‌کند.

تشبیه صورت شهید به ماه که نورانی است یکی از محسنات بلاغی این بیت است علاوه بر آن عبارت "خورشید خم شد تا نگاهت را ببوسد" کنایه از درخشندگی شهید دارد.

در زمینه منزلت شهیدان در هر دو ملت و ادبیات، به ماه و خورشید تشبیه شده است تا تداعی معنای نورانیتشان به بهترین شکل نزد مخاطب انجام شود اما ابیات امین‌پور از صور خیال به صورت گسترده‌تر بهره برده است که همین مزیت باعث منسجم شدن بیشتر مضامین در اشعارش می‌شود.

با توجه به کاربست تشبیه، کنایه در دوشاهد مثال می‌توان بیان کرد جایگاه شهیدان بسیار عظیم است به نحوی که خداوند پاداش آنان را این گونه می‌دهد:

۱- قبرشان را محل عروجشان در آسمان‌ها قرار می‌دهد.

۲- خداوند تمامی صفاتی را که در مخلوقات است به بهترین نحو ممکن به شهید می‌دهد.

۴- نورانیتی به شهید عطا می‌کند که گویا خود سرچشمه نور (خورشید، ماه) است.

۵- در نتیجه برتر از شهادت چیزی نیست.

در هر دو نمونه، میان کلمات شمول معنایی وجود دارد که باعث انسجام آن می‌شود؛ در قصیده العید، واژگانی مانند «الشهداء، الجزاء، القبور و القصور» در حوزه معنایی شهادت، پاداش قرار دارند. این ترکیب‌های هم‌معنا، انسجام مفهومی شعر را شکل می‌دهند و خواننده را از زمین تا آسمان، از گور تا جوزا (صورت فلکی بلند)، با خود می‌برند. در شعر امین‌پور نیز واژگانی مانند: «خورشید، نگاه، گل، غنچه و ماه» همگی در حوزه طبیعت، زیبایی قرار دارند و مفهوم کلی تعالی و محبوبیت را شکل می‌دهند.

همچنین اگرچه واژگان مستقلاً متضاد نیستند، اما مفاهیم نهفته در آن‌ها (القبور و القصور) نوعی تضاد مفهومی را به وجود می‌آورند و این معنا را تداعی می‌کند که مکان دفن شهیدان محدود به خاک نیست بلکه فراتر از آن است. این دو شاعر، با بهره‌گیری از صنعت تشبیه، واژگان مرتبط، تضاد معنایی و شمول معنایی، متنی یکپارچه می‌سازند با این تفاوت که در شعر العید، شکوه معنوی شهیدان با مفاهیم کیهانی بیان می‌شود اما در شعر قیصر با استفاده از عناصر طبیعت ارائه می‌شود.

نمونه سوم:

شهداء الأوطان شهب دجاها و شهود الفدا و الإستقلال
(آل خلیفه، ۲۰۱۰: ۳۹۱)

ترجمه: «شهدای میهن، شهاب‌های شب تار آن‌اند و گواهان فداکاری و استقلال»

شهیدان را به نوری ناب شوییم درون چشمه مهتاب شوییم
(امین پور، ۱۳۸۷: ۴۵۷)

آل خلیفه که شهیدان را مانند شهاب سنگ‌هایی می‌داند که در راه استقلال میهن، خود را فدا کردند. امین پور نیز به همین مضمون اشاره می‌کند. هر دو شاعر از طریق تشبیه به مضمون هدایتگری شهیدان می‌پردازند، شهیدان به شهاب‌هایی تشبیه شده‌اند که تاریکی شب را می‌شکافند، امین پور نیز شهیدان را مانند نور می‌داند که راه را برای دیگران روشن می‌کنند و راهنمای افراد هستند. واژگان «الفدا، الاستقلال» در حوزه معنایی حماسه قرار می‌گیرند و با واژه‌ی مرکزی «شهداء» پیوندی مفهومی دارند. این شمول معنایی باعث می‌شود که مخاطب با مفهومی یکپارچه از عظمت شهید آشناسود.

در بیت امین پور نیز واژگان «نور ناب، چشمه و مهتاب» همگی در حوزه معنایی روشنی و پاکی قرار می‌گیرند با واژه‌ی مرکزی «شهداء» پیوندی مفهومی برقرار می‌کنند. هر دو شاعر، صفات شهیدان را در قالب شمول معنایی بیان می‌کنند با این تفاوت که حوزه‌های معنایی آن‌ها متفاوت است.

نمونه چهارم:

بدا بدم المستشهدین مضرجا فضمخ أجواء الجزائر بالعطر
(آل خلیفه، ۲۰۱۰: ۳۹۵)

ترجمه: «آغاز کرد با خون شهیدان، خون‌آلود، و فضای الجزایر را با عطر [شهادتشان] معطر ساخت.»

آل خلیفه اشاره می‌کند که با خون شهید، فضای الجزایر عطرآگین شد. ستودن ارزش خون شهید و تاثیرگذاری آن در ابیات این شاعر به وضوح قابل مشاهده است؛ گویا عطر شهادت، بلافاصله تمامی جو الجزایر را پر می‌کند و تبدیل به قیامی گسترده می‌شود. «سرخوشانی که در سماعی سرخ/ پایکوبان و دستافشانند/ گر چه در کار خویش استادند/ باز هم درس عشق می‌خوانند/ هفت خوان را به یک قدم رفتند/ زآن که بر خوان عشق مهمانند»

(امین پور، ۱۳۶۸: ۴۰۰)

امین پور نیز مانند آل خلیفه خون شهید و قیام آن را می‌ستاید با این تفاوت که مضامین دیگری را نیز با آن همراه می‌سازد، از جمله:

- شهادت میل قلبی شهیدان است که باعث شادی آنان می‌شود.
- دست برداشتن از عقاید خود از شاخصه‌های شهیدان است.
- راه شهادت از نظر آنان، راه عشق است.

- راه شهادت آسان نیست. مانند هفت خوان رستم است.

- لازم است صعوبات زیادی طی شود تا انسان به مراد خود دست یابد.

شاعر، واژگان «المستشهدین، دم، العطر» را در یک حوزه معنایی مشترک از ایثار و شکوه قرار می‌دهد تا از این طریق باعث تعالی مفهوم شهادت و تبدیل آن به امری مقدس شود به این صورت که خون شهید، نه بوی مرگ، بلکه بوی عطر می‌پراکند. همچنین امین‌پور نیز با ارائه ترکیب‌های دارای اشتراک مانند «سرخوشی، سماع، سرخ، پایکوبی، عشق و خوان» تداعی گر شور عارفانه شهید بعد از شهادت است و باعث استعلا ی مرگ از وجه منفی آن به مثبت است به صورتی مرگ شهید شروع حیات و شادی اوست. در هردو شعر، تضاد معنایی وجود دارد که از دل مفاهیم برداشت می‌شود در بیت العید، تضاد میان خون و عطر در مفهوم «خون، معطر می‌شود» مشاهده می‌شود. در شعر فارسی نیز، سماع سرخ و رقص با خون، تضاد میان مرگ و حیات را در خود دارد؛ گویا مرگ در راه عشق، جشن زندگی است.

نمونه پنجم:

یا شعب «باتنة» احترم شهداءنا وفدائنا الأحياء تحت رجام

(آل خلیفه، ۲۰۱۰: ۲۲۱)

ترجمه: «ای ملت باتنه، شهیدان ما و فدائیان زنده‌اش را که زیر آسمان [زندگی می‌کنند]، گرامی بدار»

«مبادا خویشتن را واگذاریم/امام کوفه را تنها گذاریم/ز خون هر شهیدی لاله‌ارست/مبادا روی لاله پا گذاریم»

(امین‌پور، ۱۳۷۸: ۴۵۵)

در هر دو شعر، با هشدارهای پی‌درپی و تأکید بر عدم فراموشی، مسئولیت بازماندگان را نسبت به شهیدان یادآور می‌شود. العید، با هم‌نشینی واژگانی مانند «شهداء، فُدات، رجام» که در حوزه معنایی قربانی‌شدن قرار دارند احترام به شهیدان را تقویت می‌کند. امین‌پور نیز با پیوند کلمات «شهید، خون و لاله» انسجام واژگانی‌ای را شکل می‌دهند که بر احترام بر شهیدان استوار است. همچنین، تقابل مفهومی میان واژگان «الأحياء» و «الشهداء» وجود دارد که با توجه به موارد ذکرشده در مضامین قبل، این دو واژه می‌توانند مترادف در نظر گرفته شوند به این دلیل که مرگ شهید، شروع زندگی اوست.

۳-۲. باهم آبی و تکرار

تکرار و باهم آبی هر دو از ابزارهای انسجام واژگانی هستند تکرار باعث تأکید، برجسته‌سازی و فهم بهتر واژگان در متن می‌شود، در حالی که باهم آبی با استفاده از واژگان مرتبط در یک حوزه معنایی، انسجام معنایی را ایجاد می‌کند.

نمونه اول عبارت است از:

جنگل هنوز هم / جنگل بود / هرچند در دلش / جای هزار خاطره تاول بود / جنگل بلند و سبز / بپاخاست و با تمام قامت / این

قطعه‌نامه را / با نعره‌ای بلند و رسا خواند / جنگل هجوم طوفان را تکذیب می‌کند!

(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۴۸)

إِنَّمَا تُرْبَةُ الْجَزَائِرِ مَهْدٌ عبقري لثورة العظماء

وهي أرض الإسلام ذي المبدئ السمح و أرض العروبة العبراء

(آل خلیفه، ۲۰۱۰: ۳۹۸)

ترجمه: همانا خاک الجزایر گهواره‌ای است برای نبوغ و خلافت انقلاب بزرگان؛

و آن سرزمین اسلام است با آن مبدأ بردبار، و سرزمین عربیت راستین.

تمامی شاعران در میانه کشمکش و جنگ‌های داخلی و خارجی گرایش به وطن را در اشعار خود به خوبی منعکس می‌کنند و با توجه به این گفتار «حب الوطن من الایمان» (قمی، ۱۳۶۳: ۶۸۸)، اعتقاد راسخ آن‌ها به وطن‌سرایي باعث می‌شود عشق به وطن و مفاهیم آن را به صورت پیوسته تبیین کنند زیرا «میهن دوستی یک احساس غریزی در انسان است. حتی جنبش‌های اجتماعی که بعد از ورود دین اسلام به ایران پدید آمد عمده آن در راستای به دست آوردن حرمت و بزرگی دوران گذشته و وطن دوستی بوده است. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های سرزمین، وحدت آفرینی و همبستگی بخش بودن است. به ویژه در زمان‌هایی که آن سرزمین از سوی دشمنان خارجی تهدید و یا مورد تجاوز قرار بگیرد، در بین آحاد مختلف مردم اتحاد و همدلی و همبستگی به وجود می‌آید. در چنین اوضاعی است که پایداری، مقاومت و حماسه‌های کم نظیر ملی و جمعی آفریده شده و در فرهنگ و هنر، به ویژه در شعر شاعران نامدار تبلور و بروز می‌یابد» (نقوی، ۱۳۶۴: ۶۰).

هر دو شاعر، سرزمین خود را مهد انقلاب می‌دانند. اما رویکرد آن‌ها در پرداختن به وطن متفاوت است. قیصر امین‌پور با استفاده از نماد پردازی و از طریق کلمه «جنگل» وطن خود را توصیف می‌کند. جنگل در شعر او نماد سرزمینی زخم‌خورده اما استوار است. واژه‌ی «جنگل» چند بار تکرار می‌شود و باعث انسجام متن می‌شود. در کنار این تکرار، صفاتی مانند «بلند و سبز»، و افعالی مانند «پیاخاست، خواند و تکذیب می‌کند» شخصیت جنگل را به شکل موجودی زنده، آگاه و مقاوم نشان می‌دهد. تمامی این واژگان در حوزه‌ی معنایی پایداری قرار می‌گیرند. کلمات «تاول و طوفان» که با ویرانی در ارتباط هستند، در تقابل با «سرسبزی» جنگل قرار می‌گیرند و باعث تقویت مفهوم مقاومت در دل رنج می‌شود. بدین ترتیب، قیصر امین‌پور با بهره‌گیری از استعاره‌ها و فضای تمثیلی از انقلاب و پایداری وطن سخن می‌گوید. در مقابل، آل خلیفه با بیانی مستقیم‌تر، خاک الجزایر را مهد انقلاب بزرگان می‌نامد. در هردو شعر شخصیت بخشی به طبیعت مشاهده می‌شود، در شعر امین‌پور «جنگل» و در شعر العید «خاک» نمایندگانی از ملت و مقاومت آن هستند. همچنین مفاهیمی مترادفی مانند: «خاطره، تاول و طوفان» و «ثورة العظماء، مبدأ السمع» بازتابی از رنج‌ها و مقاومت‌ها هستند.

نمونه دوم:

فَقُم يا ابنَ البلادِ اليومَ وانْهَضْ	بِلا مَهْلٍ فَقَدْ طَالَ الْقُعُودُ
وَقُلْ يا ابنَ البلادِ لِكُلِّ لُصٍّ	تَجَلَّى الصَّبحِ وَانْتَبَهَ الرِّقُودُ

(آل خلیفه، ۲۰۱۰: ۲۷۷)

شاعر بیان می‌کند: پس برخیز ای فرزند این سرزمین امروز و بی‌درنگ قیام کن، که نشستن به درازا کشیده است.

و بگو ای فرزند این سرزمین به هر دزدی: سپیده‌دم آشکار شد و خفتگان بیدار گردیدند.

جنگ است بیا که جانفشانی بکنیم	کاری چو حماسه، جاودانی بکنیم
آن سان به تن دشمن خود زخم زنیم	کز روزن زخم دیده بانی بکنیم

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۶۳)

محمد العید آل خلیفه و قیصر امین‌پور هردو در اشعارشان مردم را به مبارزه علیه دشمنان ظالم و طاغوتیان دعوت می‌کنند. آنچه در ابیات هر دو شاعر قابل توجه است، کاریست واژه‌های مربوط به ادبیات مقاومت است که توجه هر خواننده‌ای را به خود

جلب می‌کند. واژگان «قُم، اَهْض، ابن البلاد، الصبح و الرقود» در حوزه‌ی معنایی بیداری قرار دارند و انسجام واژگانی شعر را از طریق باهم‌آیی معنایی تقویت می‌کنند. همچنین واژگان «قُم، اَهْض، لا مهل، الصبح» که تأکید بر قیام علیه دشمنان دارد در تضاد با واژه‌های «القعود، الرقود» قرار گرفته‌اند تا با استفاده از تضاد، معانی بر افراد القا شود. قیصر امین‌پور نیز مانند محمد العید با استفاده از واژه‌های «جانفشانی، جاودانی، حماسه، دیده‌بانی» سعی کرده است تصاویری خلق کند که حاوی دلالت‌های آشکار برای به وجد درآوردن شنونده و دعوت به مبارزه باشد. همچنین واژگان «جنگ، جان‌فشانی، حماسه، زخم و دیده‌بانی» در حوزه‌ی نبرد و ایثار قرار دارند. هر دو شاعر برای تشویق مخاطب خود به جهاد، از دلالت‌های مربوط به دشمن مانند: «لُص، دشمن» به کار می‌برند تا حس مبارزه را در آن‌ها برانگیزند.

نمونه سوم:

بَغَى الْبَاغِي رِدَاكَ فَخَابَ سَعْيِي وَ لِلْبَاغِي الرَّدِّي وَ لَكَ الْخُلُودُ

(آل خلیفه، ۲۰۱۰: ۲۸۸)

شاعر می‌گوید: کسی که ستم کند، ردا و پوشش تو را درید، پس تلاشش نابود و بی‌ثمر شد؛

اما برای ستمگر، ردا و پوشش تو است، اما جاودانگی و ابدیت از آن توست.

از گوشه چشم یک نظر اندازیم در خرمن دشمنان شرر اندازیم

یا خصم، خود از دست سپر اندازد یا ما ز تنش دست و سپر اندازیم

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۶۲)

یکی از اصلی‌ترین معیارهای روحیه جهادی، وجود حس دشمنی با طاغوتیان در دل است. شاعران در قصایدشان پیوسته این عداوت را یادآوری کرده و این روحیه را تشویق کرده‌اند. در هر دو شاهد مثال، شاعران به دشمن و ظلم‌های آن اشاره می‌کنند سپس قدرت و توانایی هم میهنان خود را برای نابودی آن‌ها بیان می‌کنند. العید، از طریق تراکیب شعری حماسی و تأثیر برانگیز بر ضرورت وجود کینه از دشمنان تأکید می‌ورزد. علاوه بر آن با تکرار لغت «الباغی: متجاوز» این حس دشمنی را دو چندان می‌کند. همچنین ترکیبی از تقابل واژگان متضاد «الباغی و الخلود»، «ردی و الخلود» را ارائه می‌دهد، این تضاد معنایی تصویری از پیروزی مظلوم و شکست ظالم را نمایان می‌سازد و باعث انسجام شعر می‌شود. در کنار آن، واژگان «خاب سعی» و «ردی» نیز از نظر معنایی در حوزه‌ی نافرجامی و مجازات جای می‌گیرند و باهم‌آیی معنایی دارند. در ابیات امین‌پور، واژگان «دشمن، شرر، خصم، دست و سپر» در حوزه معنایی جنگ قرار دارند. «شرر افکندن در خرمن دشمن» نمادی از ضربه‌زدن قاطع به بنیاد ظلم است. همچنین با عبارت «ما از تنش دست و سپر اندازیم» صراحتاً به تهدید دشمن می‌پردازد. این ترکیب‌ها در حوزه معنایی مقابله، جنگ و پیروزی جای می‌گیرند و انسجام واژگانی را تقویت می‌کنند.

بنابراین هر دو شاعر با بهره‌گیری از واژگان هم معنا و تکرار باعث شده‌اند که انسجام نه فقط در سطح واژگان، بلکه باعث تقویت این مفهوم شود که ظالم نابود می‌شود، اما پایداری و مقاومت جاودانه است.

۳-۴. نقاط اشتراک و افتراق

نقطه اشتراک دو قصیده، پرداختن به موضوع شهید و جهاد است. فضای کلی قصاید با توجه به موضوع آن، سرشار از غم و اندوه و گاهی حماسی است. هر دو شاعر از زوایای مختلف به مبحث مقاومت پرداخته‌اند تا به بهترین شکل ممکن این مضامین را برای مخاطب عرضه کنند. در انسجام واژگانی نیز شباهت‌هایی میان آن دو وجود دارد که عبارتند از:

- هر دو شاعر با تکرار هدفمند کلمات (جنگل و آرض)، باعث تقویت مفاهیم مقاومت می‌شوند.
 - تضادهای دوگانه (زندگی و مرگ) در هر دو متن، تقابل مفهومی مرگ و زندگی یا ستم و مقاومت را برجسته می‌کند.
 - هر دو از طریق با هم آبی واژگان در کلماتی مانند «خون و لاله» و «شهداء و خلود» باعث پیوند میان انسان کنونی و گذشته آن می‌شوند.
 - هردو از طریق شمول معنایی، واژگان را در ذیل مفاهیم وطن و شهادت سازماندهی می‌کنند.
- در مورد تفاوت‌ها نیز می‌توان گفت: قیصر امین‌پور در اشعارش از نماد به صورت گسترده بهره می‌برد و برای بیان مضامین از روش غیر صریح استفاده می‌کند اما آل خلیفه به صورت مستقیم و به دور از لفظ پردازی سخن می‌گوید.
- تضاد در اشعار امین‌پور غیر مستقیم و از طریق نماد است، در حالی که آل خلیفه با تقابل‌های آشکار، مفاهیم را به مخاطب القا می‌کند. انسجام واژگانی امین‌پور بر اسطوره‌ها و طبیعت‌گرایی تکیه دارد اما آل خلیفه بر مفاهیم اسلامی و هویت عربی تأکید می‌کند:

تفاوت	قیصر امین‌پور	محمد العید آل خلیفه
سبک	نمادین، غیر مستقیم	صریح، خطابی
محوریت	اسطوره‌های ایرانی طبیعت	مفاهیم اسلامی هویت عربی

۴. نتیجه‌گیری

هر دو شاعر در راستای انتقال مفاهیم پایداری و مقاومت از انسجام به‌ویژه انسجام واژگانی استفاده کرده‌اند. هدف هر دو، القای پیام مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و تجاوز است و در این راه، از انسجام زبانی برای القای پیام خود استفاده کرده‌اند. تفاوت‌های آن دو به این صورت است که محمد العید آل خلیفه از زبانی صریح، مستقیم و خطابی استفاده می‌کند و پیام خود را بی‌واسطه به مخاطب منتقل می‌سازد، در حالی که قیصر امین‌پور با کاربست نمادها و تصاویر چندلایه، به صورت غیر مستقیم و تأمل‌برانگیز بیان می‌کند. تضاد در اشعار هردو شاعر بیشترین بسامد را دارد. آن در ابیات آل خلیفه به شکل تقابل‌های آشکار زبانی بیان می‌شود، اما امین‌پور تضادها را به صورت ضمنی و نمادین بیان می‌کند. همچنین آل خلیفه بیشتر بر مفاهیم اسلامی و هویت عربی تأکید دارد، در حالی که امین‌پور از عناصر اسطوره‌ای ایرانی و طبیعت‌گرایی متمرکز است.

این دو شاعر با بهره‌گیری از ابزارهای انسجام واژگانی، پیام‌هایی مانند پایداری در برابر دشمن، بزرگداشت مقام شهید، ارزشمندی خاک وطن، جاودانگی شهیدان و دعوت به مبارزه با ظلم را بیان کرده‌اند. قیصر امین‌پور با زبانی نمادین و غیر صریح، مفاهیم مقاومت را در قالب عناصر طبیعی همچون جنگل و رنگ سبز بازنمایی کرده و از این طریق، زنده بودن شهید و استمرار انقلاب را بیان می‌کند. در مقابل، آل خلیفه به صورت مستقیم و با بیانی قرآنی و صریح، معنای زنده بودن شهید و قداست خاک وطن را به تصویر می‌کشد.

منابع

قرآن کریم

- ابن قینۀ، عمر. (۱۹۹۹). *الخطاب القومي فی الثقافة الجزائرية*، دمشق، اتحاد الكتاب العرب.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۶۵). *انقلاب الجزائر: بررسی اوضاع سیاسی و اقتصادی - اجتماعی الجزائر قبل و بعد از استقلال ۱۹۵۴-۱۹۶۵*، تهران، انتشار.
- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. چاپ ۱. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آل خلیفه، محمدالعید. (۲۰۱۰). *دیوان محمد العید آل خلیفه*، الجزائر، دارالهدی.
- امیری، مرتضی. (۱۳۸۱). «شاعر بی ضمیمه»، *مجله شعر*، دوره ۱۰، شماره ۳۰.
- امین پور، قیصر. (۱۳۶۳). *درکوجه آفتاب: گزیده رباعی ها و دو بیت های انقلاب از ۵۷ تا ۶۲*، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۶۸). *تنفس صبح*، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۶). *آئینه های ناگهان*، تهران، افق.
- _____ (۱۳۸۷). *مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور*، تهران، انتشارات مروارید.
- خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن. (بی تا). *الایضاح فی علوم البلاغه*. بیروت: دارالکتب العلمیه
- روان شاد، علی اصغر و جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۴). *بازتاب مقاومت در شعر ابراهیم المقادیه، نشریه ادبیات پایدار*، سال هفتم، شماره سیزدهم.
- الزاهری، محمدالهادی. (۱۹۲۶). *تاریخ الجزائر فی العصر الحاضر*، تونس، المطبعة التونسية.
- سعدالله، أبوالقاسم. (۱۹۶۸). *محمد العید آل خلیفه رائد الشعر الجزائري فی العصر الحديث*، مصر، دار المعارف.
- شکارسری، حمیدرضا. (۱۳۸۱). *شعر و اندیشه و تکنیک نگاهی به اشعار قیصر امین پور در زمینه دفاع مقدس، مجله شعر زمستان*، دوره ۱۰، شماره ۳۰.
- الصباح، زید. (۱۳۶۱). *تحلیلی از ماهیت انقلاب الجزائر و مبارزات جمیله بویاشا*، ترجمه انور ساعدی، تبریز، تلاش.
- صرفی، محمدرضا و هاشمی، سیدرضا. (۱۳۹۰). «دفاع مقدس تعهد و تحول در شعر قیصر امین پور»، *نشریه ادب پایدار*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره دوم.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۲). *معنی شناسی کاربردی*، چاپ اول. تهران: همشهری.
- قلقیله، عبدالعزيز. (۱۹۹۲). *البلاغه الاصطلاحیه*. القاهرة: دارالفکر العربی.
- قمی، عباس. (۱۳۶۳). *سفینه البحار*، قم، دفتر نشر معارف.
- مهاجر، مهران و محمدنبوی. (۱۳۷۶). *به سوی زیباشناسی شعر*. ج ۱۰. تهران: مرکز.
- نقوی، محمدعلی. (۱۳۶۴). *اسلام و ملی گرایی یا ناسیونالیسم از دیدگاه اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

Halliday, M. & R. Hasan (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

References

- Quran Karim. (In Arabic)
- Al Khalifa, Muhammad Alid (2010). *Diwan Muhammad Alid Al Khalifa*. Algeria: Dar al Huda. (In Arabic)
- Amin Pur, Qeyzar (1984). *Dar Kuche-ye Aftab: Gozide-ye Robai-ha va Do-Beyti-ha-ye Enqelab az 1357 ta 1362*. Tehran: Howze-ye Honari Sazman-e Tablighat-e Eslami. (In Persian)
- Amin Pur, Qeyzar (1989). *Tanaffos-e Sobh*. Tehran: Soroush, First Edition. (In Persian)
- Amin Pur, Qeyzar (2007). *Ayine-ha-ye Nagahan*. Tehran: Ofoq. (In Persian)
- Amin Pur, Qeyzar (2008). *Majmue-ye Kamel-e Ashar-e Qeyzar Amin Pur*. Tehran: Entesharat-e Morvarid. (In Persian)

- Amiri, Morteza (2002). "Shaer-e Bi Zamimeh." **Majalle-ye Sher**, Vol. 10, No. 30. (In Persian)
- Aqa Golzadeh, Ferdows (2006). **Tahlil-e Gofteman-e Enteqadi**. 1st ed. Tehran: Sherkat-e Entesharat-e Elmi va Farhangi. (In Persian)
- Azghandi, Alireza (1986). **Enqelab-e Aljazair: Barrasi-ye Owza-ye Siyasi va Eghtesadi Ejtemai-ye Aljazair Qabl va Bad az Esteqlal 1954–1965**. Tehran: Enteshar. (In Persian)
- Ibn Qineh, Omar (1999). **Al Khitab al Qawmi fi al Thaqafah al Jazairiyyah**. Damascus: Ettehad al Kottab al Arab. (In Arabic)
- Khatib Qazvini, Mohammad ibn Abd al Rahman (n.d.). **Al Ezah fi Olum al Balagheh**. Beirut: Dar al Kotob al Elmiyyah. (In Arabic)
- Qalqileh, Abd al Aziz (1992). **Al Balagheh al Estelahiyah**. Cairo: Dar al Fikr al Arabi. (In Arabic)
- Qommi, Abbas (1984). **Safinat al Bihar**. Qom: Daftar Nashr-e Maaref. (In Persian)
- Ravan Shad, Ali Asghar, et al. (2015). "Baztab-e Moghavemat dar Sher-e Ebrahim al Moqadameh." **Adabiyat-e Paydari**, Vol. 7, No. 13. (In Persian)
- Sabbah, Zeid (1982). **Tahlili az Mahiyat-e Enqelab-e Aljazair va Mobarezat-e Jamileh Boupasha**, tr. Anvar Saedi. Tabriz: Talash. (In Persian)
- Sarfi, Mohammad Reza & Hashemi, Seyyed Reza (2011). "Defa-e Moghaddas, Taahhod va Tahavvol dar Sher-e Qeyzar Amin Pur." **Adab-e Paydari**, University of Shahid Bahonar Kerman, Vol. 2, No. 2. (In Persian)
- Safavi, Kourosh (2003). **Mani Shenasi-ye Karbordi**. 1st ed. Tehran: Hamshahri. (In Persian)
- Sadallah, Abolqasem (1968). **Muhammad Alid Al Khalifa Raeid al Sher al Jazairi fi al Asr al Hadith**. Egypt: Dar al Maarif. (In Arabic)
- Shekarsari, Hamid Reza (2002). "Sher va Andisheh va Teknik: Negahi be Ashar-e Qeyzar Amin Pur dar Zamine-ye Defa-e Moghaddas." **Majalle-ye Sher Zemestan**, Vol. 10, No. 30. (In Persian)
- Zaheri, Mohammad al Hadi (1926). **Tarikh al Jazair fi al Asr al Hazer**. Tunis: al Matbaah al Tunisiyyah. (In Arabic)
- Naqavi, Mohammad Ali (1985). **Eslam va Melli Garaei ya Nasionalism az Didgah-e Eslam**. Tehran: Daftar Nashr-e Farhang-e Eslami. (In Persian)
- Mohajer, Mehran & Mohammad Nabavi (1997). **Be Su-ye Zabanshenasi-ye Sher**. 1st ed. Tehran: Markaz. (In Persian)

Lexical Cohesion in the Concepts of Resistance Based on Halliday and Hasan's Theory: A Case Study of the Poems of Mohammed al-Eid and Qeysar Aminpour

Rasoul Dehghanzad Shahreza^{1*} , Marzieh Vali ZADEH² , Salman Nikbakht³ 

1. Corresponding author, PhD Associate Professor of Arabic Language and Literature in University of Qom, Qom, Iran. E-mail: r.dehghanzad@qom.ac.ir
2. PhD of Arabic language and literature, Semnan University, Semnan, Iran. E-mail: m.valizade@alum.semnan.ac.ir
3. PhD of jurisprudence and fundamentals of law, University of Qom, Qom, Iran. E-mail: salmannikbakht67@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 24 June 2026 Received in revised form: 24/06/2026 Accepted: 30 July 2026 Published online: 2026/09/06 Keywords: Textual cohesion; Lexical cohesion; Halliday and Hasan's theory; Resistance; Muhammad al Eid Al Khalifa; Qeysar Aminpur.	Lexical cohesion is established through semantic links among words, sentences, and their components, and it plays an essential role in enhancing the reader's comprehension of the content. Persian and Arabic poets have also employed cohesive devices to convey the concepts of resistance with greater precision. Among them, Muhammad al Eid Al Khalifa, the Algerian poet (1904–1979), and Qeysar Aminpur, the Iranian poet (1959–2007), are two prominent figures in resistance literature. By using cohesive devices in their works, they have succeeded in creating purposeful connections among textual elements connections that facilitate the transmission of meanings and contribute to the formation of a coherent text. This article, adopting a descriptive-analytical approach and based on Halliday and Hasan's theory, examines lexical cohesion in the odes of these two poets and compares the similarities and differences between them at the level of cohesion and resistance-related themes. The findings indicate that the common aim of both poets is to convey the message of resistance and steadfastness against oppression and aggression, and that lexical cohesion serves as an instrument in delivering this message. Among the lexical devices, semantic contrast has the highest frequency. Qeysar Aminpur tends to employ symbols and implicit expressions in presenting contrasting concepts, whereas Muhammad al Eid Al Khalifa articulates them directly in a simple and unembellished style.
Cite this article: Dehghanzad Shahreza, R.; Vali ZADEH, M.; Nikbakht, S. (2025). Lexical Cohesion in the Concepts of Resistance Based on Halliday and Hasan's Theory: A Case Study of the Poems of Mohammed al-Eid and Qeysar Aminpour. <i>Comparative Critical Studies in Arabic Literature</i>, 1 (2), 150-164.	